



چگونه سیاست‌های امارات برای ایجاد امنیت به ضد آن تبدیل شده است؟

شیخ نشین‌ها در سرزمین دردسرس

امارات امروزه خود را در سطح این بازیگران تعریف کرده اما سوال اینجاست آیا امارات تاب حضور در این میدان بازی را دارد؟ آیا اقتصاد شیشه‌ای این کشور که از دو شهر بزرگ تشکیل شده، می‌تواند در بازی بزرگان تاب‌آوری داشته باشد؟

گاهی اجرای یک راهبردی برای رسیدن به هدفی می‌تواند به ضد آن تبدیل شود. امارات با برجسته‌سازی خود و آسیب‌زنی به قدرت‌های بزرگ منطقه آن هم در سطح یک قدرت، جایگاهی را اشغال کرده که در کوتاه‌مدت برای ابوظبی شیرین اما در میان مدت و بلندمدت آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای آن دارد. امارات برخلاف سه قدرت اصلی منطقه توانایی هضم آسیب‌های انتقام‌جویانه در خاک اصلی خود را ندارد. ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی با رژیم بعث عراق ظرفیت بالای خود در هضم آسیب‌ها را نشان داده است. جنگ میان ایران و عراق نزدیک یک میلیون کشته و میلیون‌ها زخمی و آواره برجای گذاشت اما دو کشور همچنان برپا هستند. مقابله با گروهک‌های تجزیه‌طلب متعدد در مناطق مرزی و مقابله با گروه‌های تروریست داخلی مانند سلطنت‌طلبان و منافقین نیز از جمله توانایی‌های ایران در زمینه هضم معضلات عمده امنیتی بوده است. در سال‌های اخیر و حملات تروریستی داعش به مجلس در سال ۱۳۹۶ و رژه نظامی اهواز در سال ۱۳۹۷ و خرابکاری‌های تابستان ۱۳۹۹ آن را بار دیگر به نمایش گذاشته است. ترکیه نیز سال‌ها جنگ با گروه‌های تروریستی کرد را در کارنامه خود دارد که از دهه ۱۹۸۰ تاکنون بیش از ۵۰ هزار کشته بر جای گذاشته است. عربستان سعودی نیز در جنگ یمن با وجود حملات گسترده یمنی‌ها و آسیب شدید به حد فروپاشی نرسیده است. این وضعیت اما برای کشورهای با عمق راهبردی کم صدق نمی‌کند. امارات ظرفیت روبه‌رو شدن با تبعات ماجراجویی‌هایش را نخواهد داشت. آیا امارات همانند ایران و عراق تاب جنگی هشت‌ساله، همانند ترکیه تاب جنگی ۴۰ ساله با کردها یا بیش از ۵۰ هزار کشته و یا همانند عربستان تاب درگیری ۶ ساله با یمن و روبه‌رو شدن با صدها موشک با سلیتی را دارد؟



سید مهدی طالبی
روزنامه‌نگار

در چند هفته اخیر در غرب آسیا، هیچ کشوری به اندازه امارات متحده عربی خیرساز نبوده است؛ کشوری با ابعاد کوچک ولی پرهیجان برای گام‌های بزرگ. شیوخ اماراتی، ۱۳ آگوست (۲۳ مرداد) یکی دیگر از گام‌های بزرگ‌شان را برداشتند و با رژیم صهیونیستی بر سر عادی‌سازی روابط به توافق رسیدند. امارات در تقسیم‌بندی کشورها بر اساس وسعت جغرافیایی، در قالب کشورهای بزرگ و متوسط غرب آسیا جای ندارد اما با این حال، شیوخ این کشور برای برهم‌زدن این باور که قدرت‌های منطقه، کشورهای بزرگ خاورمیانه و شمال آفریقا یعنی ایران، مصر، عربستان سعودی، ترکیه و الجزایر هستند در سال‌های اخیر تحرکات قابل توجهی در مقیاس ابعادش داشته است. در غرب آسیا در حال حاضر ایران، ترکیه و عربستان سعودی دارای قدرت قابل توجه بوده و شرایط لازم برای اعمال قدرت را دارند. با این حال رقابت میان این سه کشور، دخالت‌های خارجی و نیز احساس خطر موجودیتی از سوی کشورهای کوچک اما ثروتمند منطقه باعث شده بازی قدرت در خاورمیانه شکل پیچیده‌ای به خود بگیرد. در این بازی پیچیده، امارات که از نظر وسعت، کمی بزرگ‌تر از قطر، کویت و لبنان است، می‌خواهد چه نقشی را ایفا کند که به سمت عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی گام برداشته است؟ بخشی از این تصمیم، ناشی از فشار دونالد ترامپ به حکام اماراتی بوده است ولی نباید در این بین از افکار توسعه‌طلبانه و خطرناک شیخ‌نشین‌ها غافل بود. این کشور کوچک تا به همین جای کار، نسبت به قطر و کویت که هر دو دارای ثروت سرشاری هستند، به‌مراتب در منطقه موثرتر عمل کرده است. امارات متحده عربی از هفت شیخ‌نشین در حاشیه جنوبی خلیج فارس تشکیل شده است اما در واقع دو شهر ساحلی ابوظبی و دبئی کلیت این کشور را تشکیل می‌دهند. وسعت کم و نداشتن عمق راهبردی که مشکل ذاتی و درونی امارات است، باعث شده شیوخ امارات از مجاورت با دو کشور بزرگ منطقه یعنی ایران و عربستان سعودی احساس خطر کنند و این دو کشور را به‌عنوان خطر موجودیتی به شمار آورند. از نظر حکام امارات در صورتی که این کشور نخواهد دست به توسعه‌طلبی بزند تاگزیر از برخورد با این قدرت‌ها شده و نابود می‌شود.

بازی دوسر برد امارات!

امارات با این جمع‌بندی، همواره به دنبال مهار این دو قدرت به‌زعم خود بوده است. امارات در اولویت‌بندی خود با عربستان سعودی بر ضد ایران متحد شده است تا نخست ایران را مهار کرده و دوم با استفاده از این هم‌پیمانی فرصت لازم برای فریب ریاض را پیدا کند و با هدف مهار علی‌هم‌سوی‌ها نیز ایجاد کند. امارات در هم‌پیمانی با سعودی‌ها علیه محور مقاومت به رهبری ایران در یمن وارد نبرد شد تا از رشد این محور جلوگیری کند اما با استفاده از همین فرصت توانست با همراه کردن گروه‌های جدایی‌طلب جنوب یمن ضمن در دست گرفتن بخش مهمی از سواحل یمن، جای پای مناسبی در جنوب مرزهای عربستان برای مهار احتمالی این کشور بیابد. نزاع امارات متحده عربی با تهران و ریاض محدود به بعد نظامی نیست و ابوظبی این دو کشور را از منظر ایدئولوژیک، هویتی و سیاسی نیز تهدید تلقی می‌کند و بر همین اساس اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده است.



طرح آمریکا برای تخریب وجهه مقاومت

تحلیلگر لبنانی درباره طرح جدید آمریکا در عراق و لبنان برای تخریب وجهه مقاومت در راستای تأمین اهداف خود و صهیونیست‌ها در منطقه هشدار داد. به گزارش فارس، «علی‌مراء» می‌گوید آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش دارند از طریق فعال‌سازی نیروهای خود در جامعه مدنی در دو عرصه عراق و لبنان، وجهه حشد الشعبی و حزب‌الله را تخریب کنند. وی در گفت‌وگو با پایگاه خبری «المعلومه» تصریح کرد: «این دشمن معتقد است دور کردن محور مقاومت از قدرت بر قضیه فلسطین نیز اثر می‌گذارد و در روند موفقیت معامله قرن سهیم خواهد بود. این تحلیلگر در ادامه با اشاره به طرح جدید واشنگتن و تل‌آویو علیه محور مقاومت گفت: «آمریکایی‌ها تا زمانی که در جیب‌هایشان برگه‌ای دارند با آنها بازی می‌کنند. انتقال سفارت آمریکا به قدس و به رسمیت شناختن اشغال جولان از این موارد است.»

به دلیل فقدان ایدئولوژی مخصوص به خود تهدید بزرگی از برای می‌کند. این کشور به دلیل نداشتن ایدئولوژی مشخص دارای قدرت پایداری همانند ایران و عربستان نبوده و در همین راستا احتمال دارد به وسیله تریق ایدئولوژی‌های رقیب به ساکنان امارات، آنها به دنبال سرنگونی حاکمان برونزد. از سوی دیگر تاریخ قدرت نظامی و نفوذ ایدئولوژی‌های کشورهای ایران، عربستان، ترکیه و حتی قطر برای آنها قدرتی سیاسی رقم زده، در حالی که امارات به دلیل دارا نبودن این موارد، از قدرت سیاسی بی‌بهره است. به همین دلیل این کشور سعی کرده با گام برداشتن در مسیر تمدنی غربی و توسعه گردشگری در دبئی، بعد تاریخی خود را پوشش داده و با خریداری گسترده تسلیحاتی و همکاری با تجزیه‌طلبان در جنوب یمن و کردها در شمال عراق و سوریه قدرت نظامی برای خود ایجاد کند. این کشور در گام سوم برای پوشش ضعف ایدئولوژی خود نبرد بر ضد ایدئولوژی‌ها را در منطقه‌ای وسیع از غرب آسیا تا شمال آفریقا آغاز کرده است. امارات برای به دست آوردن قدرت سیاسی نیز دست‌نگاه اطلاعاتی خود را تقویت کرده و وارد هم‌پیمانی با دستگاه‌های سیاسی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است تا به این وسیله به قدرت سیاسی دست یابد. به عبارت ساده‌تر این کشور در ماه گذشته با رژیم صهیونیستی توافق عادی‌سازی امضا کرد اما در عالم واقع، همکاری دو رژیم حداقل سابقه بسیاری طولانی تری دارد. در حالی که قدرت سیاسی بازیگران موثر منطقه‌ای از درون‌زایی برخوردار است و ریشه در ابعاد تاریخی، قدرت نظامی و ایدئولوژی‌های بومی دارد، امارات قدرت سیاسی خود را بر این مینا قرار داده که با نفوذ دست‌نگاه اطلاعاتی خود در کشورهای منطقه و همگامی آن با دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی تهدیدات را شناسایی کند. همکاری اطلاعاتی با غرب و رژیم صهیونیستی در سرنگونی دولت اخوانی محمد مرسی در مصر و نیز سرنگونی دولت عمر البشیر در سودان از جمله این موارد بوده که تا حدی باعث قدرت سیاسی برای حکام امارات شده است.

تقویت قدرت با متحدان قدرتمند

از جمله ویژگی‌های خاورمیانه پویایی تحولات و نیز وقوع تهدیدات فوری در آن است. قدرت‌های خاورمیانه به دلیل این دو ویژگی سعی دارند تا عمق راهبردی خود را وسیله پیدا کردن متحدانی در سطح منطقه افزایش دهند. افزایش متحدان در فضای پویای منطقه به بازیگران اصلی کمک می‌کند تا با ثبات بیشتری بتوانند برزانه‌ها

خود را در این فضای متغیر پیگیری کنند. از سوی دیگر متحدان می‌توانند در صورت وقوع بحران در نقطه صفر آغاز تهدید با آن مقابله کنند. برای نمونه حزب الله در لبنان توانست در مقابل تهدید فوری رژیم صهیونیستی و تکفیری‌های استادکی کرده و مانع از انتشار بیشتر آنها شود. همچنین حشد الشعبی عراق در پی وقوع تهدید فوری داعش که به سرعت در حال اشغال سرزمین‌های سوریه و عراق بود توانست در نقطه آغاز و در لایه‌های اولیه با این گروه تروریستی به مقابله بپردازد. در صورت نبود این دو گروه، ایران باید خود با اعزام صدها هزار نیروهای نظامی با این تهدیدات در مراحل ثانویه برخورد می‌کرد. در صورت ممکن نبودن اعزام نیرو نیز تهران باید ده‌ها میلیارد دلار صرف تسلیحات نظامی دوربرد همانند جنگنده‌های می‌کشد تا بتواند با پروازهای دوربرد مواضع تروریست‌ها را بمباران کند.

اماراتی‌ها نیز از این الگو بهره‌اند. رسمی کردن روابط با رژیم صهیونیستی نیز بر همین مینا صورت گرفته است. شیخ‌نشین‌ها در منطقه خلیج فارس نیاز به یک متحد فرامنطقه‌ای را حس می‌کردند تا در بحران‌ها به آنها کمک کند و مانع از خطر احتمالی عربستان سعودی و ایران شوند. تل‌آویو حاضر به تدارک این پوشش برای ابوظبی شده است و حداقل در کوتاه‌مدت این همکاری منافع برای خاندان حاکم بر امارات دارد. از سوی دیگر اماراتی‌ها برای افزایش عمق راهبردی خود، به یمن دست‌درازی کردند ولی در کنار آن تلاش کردند متحدانی را پیدا کنند که از طریق آن، فضای پویای منطقه را برای خود با ثبات کرده و تهدیدات علیه این کشور را در صورت لزوم پوشش دهند. اماراتی‌ها برای مهار عربستان سعودی در مناطق جنوبی یمن که سابقاً کشور یمن جنوبی نام داشته است دست به تشکیل ساختارهای دولتی و نظامی در میان بومیان این منطقه زده‌اند. این منطقه به کمک شورای انتقالی جنوب که گروهی تجزیه‌طلب است، اداره می‌شود. این کشور برای مقابله با ترکیه نیز بین‌المللی حاضر در منطقه تنها یکدیگر را به حساب می‌آورده‌اند و سعی در رقابت و مقابله با یکدیگر داشته‌اند. امارات و قطر نیز با وجود وارد شدن به میدان بازی به دلیل جمعیت و وسعت کم و دیگر ضعف‌هایشان آنچنان جدی گرفته نشده بودند. اما امارات با اجرای سیاست‌هایش علیه ایران، ترکیه و عربستان سعودی و پیش‌رفتن امور بر وفق مرادش حالا اهمیت یافته است. مشکل در اینجاست که ایران، ترکیه و عربستان سعودی با یکدیگر رقابت دارند اما به دلیل قدرتمند بودن‌شان احتمال فروپاشی‌شان اندک است و این مساله بیشتر به نفوذ منطقه‌ای آنها آسیب می‌رساند.

ضد امنیت امارات

مشخص است که مسئولان اماراتی توانستند هم‌زمانه و بدون آنکه زیاد مهم قلمداد شوند، اهمیت خود را در خاورمیانه بالاتر ببرند. مشکلات برای امارات اما درست از این نقطه به بعد هویدا می‌شود. اماراتی‌ها سعی کرده‌اند با اجرای سیاست‌های خود امنیت‌شان را بالاتر ببرند اما این راهبردها با وجود اجرای کم‌نظیر، در کوتاه‌مدت اثر مثبت دارند ولی در درازمدت بدون آنکه امنیت امارات را تضمین کند تنها اهمیت امارات را در سطح منطقه بالاتر برده است؛ اهمیتی که می‌تواند به ضد امنیت امارات تبدیل شود. بخشی از دلیل موفقیت سیاست‌های امارات برای مهار قدرت‌های منطقه‌ای کم‌اهمیت بودن این کشور در بهره‌ای از زمان در درگیری‌های منطقه‌ای بوده است. ایران، عربستان و ترکیه به همراه قدرت‌های بین‌المللی حاضر در منطقه تنها یکدیگر را به حساب می‌آورده‌اند و سعی در رقابت و مقابله با یکدیگر داشته‌اند. امارات و قطر نیز با وجود وارد شدن به میدان بازی به دلیل جمعیت و وسعت کم و دیگر ضعف‌هایشان آنچنان جدی گرفته نشده بودند. اما امارات با اجرای سیاست‌هایش علیه ایران، ترکیه و عربستان سعودی و پیش‌رفتن امور بر وفق مرادش حالا اهمیت یافته است. مشکل در اینجاست که ایران، ترکیه و عربستان سعودی با یکدیگر رقابت دارند اما به دلیل قدرتمند بودن‌شان احتمال فروپاشی‌شان اندک است و این مساله بیشتر به نفوذ منطقه‌ای آنها آسیب می‌رساند.

اهمیت انفجارهای ابوظبی و دبئی

دوشنبه هفته جاری و در ادامه طرح عادی‌سازی روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی که نخستین پرواز رژیم صهیونیستی به مقصد امارات انجام شد، بخشی از میزان تاب‌آوری امارات به نمایش درآمد. این پرواز توسط شرکت هواپیمایی ال آل که حامل پرچم رژیم صهیونیستی است، صورت گرفت و در آن یک هواپیمای مجهز به دفاع موشکی استفاده شد. بنا بر اعلام وزارت خارجه امارات در این پرواز افراد مهمی همانند جرد کوشنر داماد و مشاور رئیس‌جمهوری ایالات متحده، رابرت اوربان مشاور امنیت ملی آمریکا و مدیر بن شیریت مشاور امنیت ملی رژیم صهیونیستی حضور داشته‌اند. ساعتی قبل از ورود این هواپیمای به فرودگاه ابوظبی، انفجاری در یک رستوران زنجیره‌ای آمریکایی در جاده فرودگاه این شهر رخ داد. نیروهای امنیتی اماراتی دلیل این انفجار مشکوک را کپسول گاز اعلام کردند اما وقوع انفجاری دیگر در یک رستوران آمریکایی در شهر دبئی این شک را از بین برد. گرچه مسئولان اماراتی انفجار دوم را نیز طبیعی دانستند اما هم‌زمانی آن با ورود هواپیمای حامل مقامات آمریکایی و صهیونیست، وقوع آنها در دورستوران زنجیره‌ای آمریکایی، محل انفجار نخست که در جاده فرودگاه ابوظبی بوده و نیز پراکندگی آن درست در دو شهر اساسی تشکیل دهنده امارات بیشتر به پیام هشدار قوی شبیه است تا انفجار کپسول گاز. احتمال می‌رود گروه‌های آزادی‌بخش فلسطینی همانند دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی دوباره عملیات‌های انتقام‌جویانه بین‌المللی خود را آغاز کرده باشند. در این صورت ابوظبی و به‌خصوص دبئی شاهد عملیات‌های بمب‌گذاری و تخریبی در سطوح مختلف خواهد بود. در صورتی که این عملیات‌ها خواهند به سبک کلاسیک خود انجام شوند، خطوط هوایی امارات و پروازهای به سمت این کشور نیز دچار اختلال جدی خواهند شد. گروه‌های فلسطینی از این طریق با مجازات امارات پیامی قدرتمند به طرف‌های عربی خواهند فرستاد.



فرانسه در تلاش برای صلح بیروت و تل‌آویو

رئیس‌جمهوری اسبق لبنان هرگونه دیکته‌های خارجی بر کشورش وارد و اعلام کرد فرانسه سیاستمداران لبنان را با پول‌های قاچاق شده کشور به خارج تهدید می‌کند. به گزارش اسپسنا، امیل لحدود، در گفت‌وگو با جمعی از اعضای سایت‌های میدانی که به دیدارشان رفته بودند، گفت: «این رژیم صهیونیستی است که مطالباتش در رابطه با لبنان را به آمریکادیکته می‌کند نه برعکس. برای صهیونیست‌ها تنها مهم این است که عرب‌ها ضعیف‌مانند. وی افزود: «فرانسه خواهان صلح بین لبنان و رژیم صهیونیستی است، همان کاری که امارات کرد و در آینده هم عربستان انجام خواهد داد. لحدود هرگونه دیکته خارجی بر کشورش وارد کرد و گفت: هرگز به این کار راضی نخواهیم شد حتی اگر به قیمت جان‌مان تمام شود.» وی گفت: «فرانسه برای فشار به سیاستمداران لبنان آنها را با اموال قاچاقی خود در خارج تهدید می‌کند.»



عقب‌نشینی تل‌آویو در برابر بالن‌های آتش‌زا

عضو ارشد حماس در سخنانی تأکید کرد در پی تشدید فشارهای مقاومت به رژیم صهیونیستی، این رژیم مجبور به عقب‌نشینی از مواضع خود شد. به گزارش مهر به نقل از شبکه «الاقصی»، خلیل الحیبه در سخنانی به جزئیات تفاهم اخیر این جنبش با تل‌آویو با وساطت قطر اشاره کرد. براساس این گزارش، وی در بیان خصوصی گفت: «ما از ابتدای سال تصمیم قطعی خود را مبنی بر اعمال فشار بر دشمن صهیونیستی به منظور لغو محاصره غزه، اتخاذ کردیم.» الحیبه ادامه داد: «از همین‌رو به منظور افزایش فشارها بر صهیونیست‌ها ارسال بالن‌های آتش‌زایه ارضای اشغالی را کلید زدیم. هم‌زمان از طریق میانجی‌های هشدارهایی را به صهیونیست‌ها دادیم و موشک‌هایی را نیز برای مهار اقدامات تجاوزکارانه آنها شلیک کردیم. اینجا بود که صهیونیست‌ها از معادله «موشک در برابر بالن» عقب‌نشینی کردند.»



رسوایی آمریکا در توقیف نفتکش‌ها در کارائیب

شرکت‌های مالک محموله‌های نفتی که به تازگی توسط آمریکا مصادره شده، در یکی از دادگاه‌های منطقه کلمبیا آمریکا با ثبات شکنایی خواهان عودت نفتکش‌ها و محموله‌های نفتی آنها شده‌اند؛ کشتی‌ها و محموله‌هایی که واشنگتن مدعی بود متعلق به ایران و در مسیر حرکت به سوی ونزوئلا است. به گزارش ایرنا، رویترز روز چهارشنبه نوشت: «شرکت‌های مزبور با رد این ادعا که مقصد نفتکش‌ها ونزوئلا بوده است، خبر دادند که بنا بود این شناورها به کشور جزیره‌ای ترینیداد و توباگو در دریای کارائیب بروند تا محموله آنها به مشتریانی در پروو کلمبیا فروخته شود. وزارت دادگستری آمریکا ماه پیش اعلام کرد یک میلیون و ۱۱۶ هزار بشکه سوخت «به مقصد ونزوئلا» را توقیف کرده است. این شرکت‌ها شامل شرکت مستقر در امارات و شرکت سوخت عمان مستقر در انگلیس هستند.»